

جایگاه پایه‌ای اتاق در طراحی مسکن*

مهندس مسعود قاسم‌زاده**

عضو هیات علمی مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۷/۱۷)

چکیده:

این پژوهش، در پی شناخت مفهوم و جایگاه اتاق در معماری مسکونی و نقش آن در تامین خُرسندی ساکنان است، تا علاوه بر بازنمایی اهمیت موضوع، تعیین وضعیت، ترکیب و گزینش شُمار مناسب از اتاق‌های متفاوت را در هنگام طراحی یا تدوین ضوابط معماری، ساماندهی کرده و آسان‌تر سازد. امروزه مشاهده می‌شود که اساس طراحی بیشتر خانه‌های متداول در ایران، فضای عمومی وسیعی است که معمولاً با آشپزخانه باز یک‌سره بوده و سایر فضاها در باقیمانده سطح طرح جای گرفته‌اند. اما در معماری گذشته این سرزمین، اتاق‌ها با عملکردهای پایه‌ای گونه‌گون، اندام‌های بنیادین خانه به حساب می‌آمدند. مطالعه میدانی نشان می‌دهد، امروزه نیز اتاق‌ها نقشی اساسی در رضایت ساکنان دارند. فراهم‌نشدن فضاهای کافی و مناسب در عرصه‌های متفاوت خانه به دلایلی مانند محدودیت‌های اقتصادی و اجرایی، به‌ویژه در تامین مسکن اقشار میان‌درآمد و کم‌درآمد، پیامدهای ناخوشایند اجتماعی و فرهنگی را در پی دارد که جبران آنها دشوار و گاه ناممکن است. در جمع‌بندی این مقاله گفته می‌شود که در برنامه‌ریزی و طراحی مسکن، افزون بر الزامات فنی برای پایداری و ایمنی ساختمان، چرا و چگونه باید به انتظارات عملکردی و کیفی مهمی نیز در راستای تامین موقعیت‌ها یا اتاق‌های کافی و مناسب برای عرصه‌های مختلف زندگی خانواده، پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی:

اتاق، معماری مسکونی، خُرسندی ساکنان، طراحی مسکن، گونه‌گونی، الزامات عملکردی.

* بخشی از این مقاله برگرفته از اطلاعات مطالعه میدانی در طرح پژوهشی با عنوان [استانداردهای ابعادی مسکن] است که با مدیریت نگارنده در مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن و با پشتیبانی سازمان ملی زمین و مسکن انجام شده است.

** تلفن: ۰۲۱-۸۸۲۵۵۹۴۲-۶، شماره: ۰۲۱-۸۸۲۴۱۲۵۸، E-mail: ghasemzadeh@bhrc.ac.ir

مقدمه

و برنامه ریزان مسکن نمی‌توانند در پیاده‌کردن طرح‌ها و نظرگاه‌های خود برای تامین مسکن اقشار یادشده، تنگناهای اقتصادی و اجرایی را کاملاً نادیده بگیرند، اما بیشتر بر این باورند که در این شرایط نیز به هیچ‌وجه نباید از اهمیت حفظ ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی خانواده به‌ویژه در حق برخورداری ساکنان از فضاها و اتاق‌های کافی و مناسب در عرصه‌های فردی و جمعی خانه کاسته شود. با این نگرش، می‌توان دید که جدا از محدودیت‌های سطح زیربنای واحد مسکونی یا شرایط حاکم بر اقتصاد مسکن، هر روز اهمیت در اختیار داشتن اتاق‌ها یا فضاهای کافی با شکل، اندازه و قابلیت‌های لازم بیشتر می‌شود. از این رو، افزون بر لزوم فراهم کردن پایداری، ایمنی و بهداشت در برنامه‌ریزی و طراحی مسکن، اهداف و انتظارات مهم عملکردی و کیفی دیگری نیز در پیوند با تامین اتاق‌ها یا موقعیت‌های فضایی کافی و مناسب برای زندگی فردی و جمعی ساکنان آشکار می‌شود، که با در نظر داشتن آنها، طرح‌های شایسته‌تری را می‌توان به‌صورتی ارائه کرد که خشنودی اقشار وسیع‌تری فراهم گردد. با این سرآغاز، هدف مقاله حاضر آنست که پس از شناخت ویژگی‌های مهم کیفی و عملکردی اتاق‌ها، معضلات و پیامدهای ناکافی یا نامناسب بودن آنها را در طرح واحدهای مسکونی آشکارتر نموده و به‌چگونگی برآورده کردن مهم‌ترین ضرورت‌ها یا انتظارات طراحی که بر خرسندی افزون‌تر ساکنان اثر دارد، دست یابد.

در معماری گذشته ایران، اتاق‌ها اندام‌های بنیادین خانه به حساب می‌آمدند. معماران ایرانی، از ابتدای طراحی، با کنار هم چیدن و پیوند دادن اتاق‌هایی با هویت فضایی جدا و در همساز با شرایط فنی، محیطی، معیشت و فرهنگ مردم، خانه‌هایی را بنا می‌نهادند که با فعالیت‌ها و امکانات گوناگون در زندگی بیشتر ساکنان هماهنگ بود و خرسندی آنان را فراهم می‌ساخت. اما در دوران حاضر، از یک سو مشاهده می‌شود که پیوند طراح و سازنده با مصرف‌کنندگان به‌ویژه در انبوه‌سازی موجود یا به عبارتی "یک‌سان‌سازی" مسکن به‌مرور کم شده و سبب کاهش شناخت آنان از خواسته‌ها و نیازهای اساسی مردم می‌گردد. از سوی دیگر نیز محدودیت‌های اقتصادی و اجرایی که به‌ویژه در تامین مسکن اقشار کم‌درآمد و میان‌درآمد رخ می‌نماید، در بیشتر موارد دستاویزی است که کوچک شدن واحدهای مسکونی را در پی دارد. از این رو در بیشتر ساختمان‌های مسکونی متداول، با نادیده گرفتن یا کم‌توجهی به مقتضیات زندگی ساکنان یا جامعه هدف، شمار محدودی اتاق و فضای غالباً کوچک، بدون هویتی روشن و با سیمایی هم‌ریخت شکل گرفته‌است، که هر یک را معمولاً تنها به نام یک نوع فعالیت یا عملکرد می‌خوانند. واژه‌هایی مانند اتاق خواب یا اتاق نهارخوری در فرهنگ کنونی ساخت‌وساز، متداول شده‌اند و واحدهای مسکونی صرف‌نظر از اندازه و طرح آنها، با بیان تعداد اتاق خواب معرفی و مقایسه می‌شوند. در چنین حالتی، اگرچه طراحان

روش پژوهش

در دوران کنونی، اهمیت جایگاه و دامنه انتظارات از اتاق‌ها در مسکن ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس با استناد به اطلاعات به‌دست آمده از مطالعات موردی که پیش از این بر روی شماری از مجموعه‌های مسکونی و با گردآوری نظرات ساکنان آنها در مناطق مختلف کشور صورت گرفته، علاوه بر بررسی سبب و میزان خرسندی یا ناخرسندی آنان از اتاق‌های واحد مسکونی خود و ملموس‌تر کردن پیامدهای وضعیت کنونی طرح آنها، به شناسایی گونه‌گونی در نحوه استفاده از اتاق‌ها مانند انتخاب نوع و چیدمان وسایل یا ایجاد دگرگونی دلخواه در فضا بندی خانه می‌پردازد، که بیشتر ناشی از تفاوت در طرح‌ها یا شیوه زندگی و خواسته‌های ساکنان است. در خاتمه نیز نتایج به‌دست آمده به صورت الزامات و راه‌کارهایی برای طراحی و همچنین برای رسیدن به مقررات معماری مطلوب‌تر در زمینه تعیین وضعیت اتاق‌ها، جمع‌بندی و ارائه می‌شود.

در این پژوهش دو پرسش اساسی زیر مطرح است: نخست، جایگاه و عملکرد اتاق‌ها در معماری مسکن ایرانی در گذشته چه بوده و اعتبار این جایگاه در معماری معاصر چگونه است یا بر اساس خواسته‌های ساکنان باید چگونه باشد؟ و دوم، در پیش گرفتن چه رویکرد و رعایت چه ملاحظاتی در تعیین وضعیت، تعداد و ترکیب اتاق‌های خانه در خرسندی ساکنان از مسکن خود تاثیر بهتری دارد و دست یافتن به چه ویژگی‌هایی، قابلیت‌های اتاق‌ها را در زمان بهره‌برداری افزایش داده و آنها را نزد ساکنان متفاوت پسندیده‌تر می‌کند؟ شیوه تحقیق در این مقاله، تلفیق نتایج برگرفته از مطالعات اسنادی با نتایج مطالعات موردی و میدانی است و بیشتر، از نتایج داوری، و مقایسه و جمع‌بندی معمارانه اسناد و نتایج پژوهش‌ها با بیانی تحلیلی و در برخی موارد توصیفی بهره می‌جوید. در این مقاله ابتدا با مراجعه به شماری از منابع مرتبط با معماری مسکن در گذشته و همچنین به مقررات رسمی و نتایج برخی پژوهش‌ها

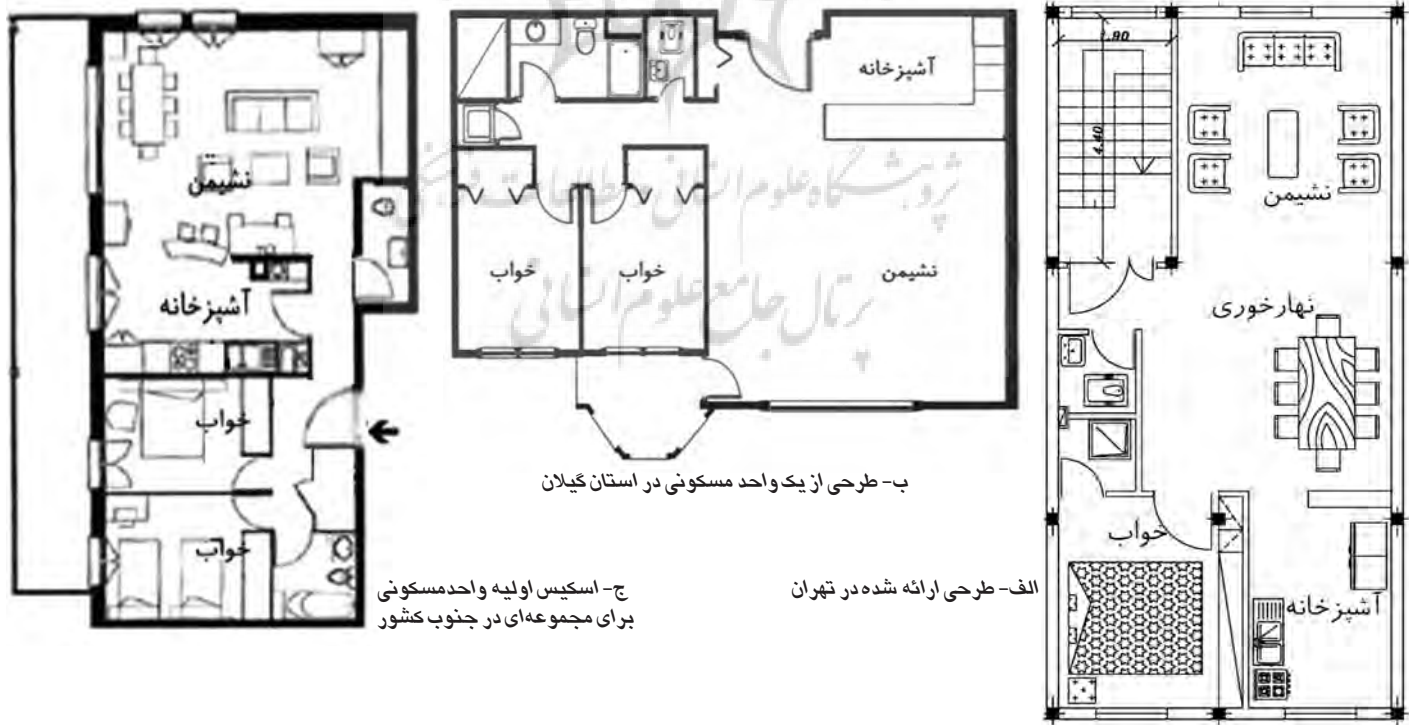
۱- چارچوب نظری

دیگر، پیامدهای بسیار ملموسی در پیوند با میزان رضایت ساکنان دارد، در حالی که هنوز در ایران مقررات و حتی راه‌کارهای روشنی برای این منظور ارائه نشده است. علاوه بر آن، می‌توان گفت که این ویژگی‌ها، در اتاق‌ها بیشتر از دیگر فضاها مفهوم دارند و سایر انتظارات کمی و کیفی غالباً با همین محورها پیوند می‌یابند. از این رو، در پژوهش حاضر، مطالعات بیشتر بر محور دو ویژگی مهم یادشده یعنی گونه‌ای اتاق‌ها و تعداد آنها متمرکز شده و جمع‌بندی گردیده است.

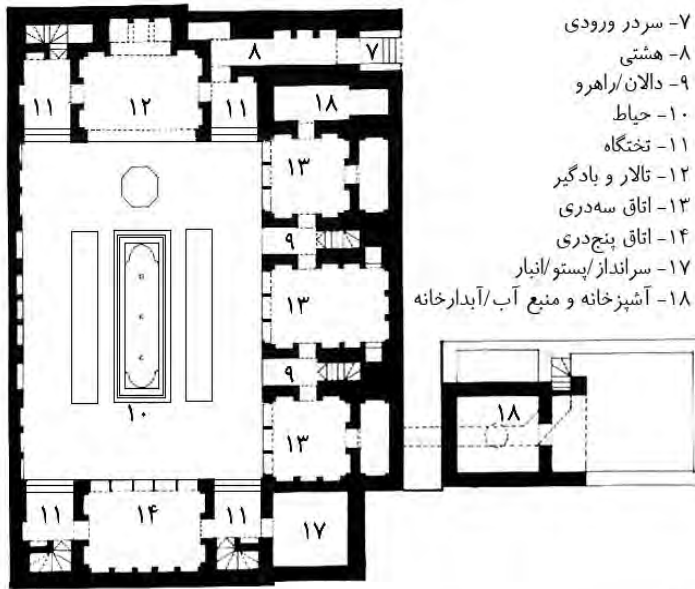
از این دیدگاه، در مروری بر طرح‌های متداول معماری برای ساختمان‌های مسکونی در ایران و به ویژه در شهرهای پرجمعیت چنین به نظر می‌رسد که در بیشتر این واحدها، فضای جمعی یا عمومی بزرگی مانند سرسرای اصلی یا سالن، که معمولاً در پیوند با یک آشپزخانه باز است، اساس طراحی قرار گرفته و از آن‌جا که در معرض دید افراد غیر نیز قرار دارد، بسیار آراسته و پرداخته می‌شود. سپس سایر فضاها و اتاق‌ها بدون در نظر گرفتن سهم عادلانه هریک از آنها، در باقیمانده سطح طرح جای می‌گیرند. در چنین طرح‌هایی، فضاهایی مانند اتاق نشیمن و پذیرایی و حتی آشپزخانه، از جداسازی لازم به عنوان یک اتاق یا فضای خصوصی خانواده برخوردار نیستند. این شیوه به حدی رواج دارد که طرح‌هایی مانند تصویر ۱ در نقاط مختلف کشور، برای بیشتر طراحان و حتی مصرف‌کنندگان کاملاً آشناست.

در طراحی و استقرار اتاق‌ها، همچون بسیاری از سایر فضاها در واحد مسکونی، در مورد جنبه‌های کمی و کیفی متفاوتی باید تصمیم‌گیری شود. تعداد اتاق‌ها، گونه‌ای آنها از نظر سطح، اندازه‌ها و نحوه استفاده، سهم آنها از کل فضای مسکن، قابلیت‌های چیدمان داخلی، ساختار و سایر مشخصات عناصر عملکردی مانند در و پنجره، کیفیت‌های محیطی مانند رنگ و نور و نحوه استقرار اتاق‌ها در واحد مسکونی، از آن جمله‌اند. با توجه به گستردگی این عوامل هیچگاه نمی‌توان تاثیر و تقابل همه آنها را در یک‌جا مورد پژوهش قرار داد و بی‌تردید ضروریست تا از میان جنبه‌های یاد شده، محورهایی اصلی بسته به اهداف و موقعیت هر مطالعه، شناسایی شوند.

برای شماری از ویژگی‌های یادشده که با انتظارات عملکردی یا حیاتی مانند نور، تهویه و اندازه‌های عناصر عملکردی اصلی پیوند دارند، ضوابط و الزامات رسمی در کشور وجود دارد. مدارک و مستنداتی نیز که در این‌جا ارائه می‌شود نمایانگر آنست که تصمیم‌گیری در مورد دو ویژگی مهم اتاق‌ها یعنی ترکیب گونه‌های مختلف اتاق از نظر مساحت، اندازه‌ها و کاربرد از یک سو، و گزینش تعداد آنها در طرح واحد مسکونی از سوی



تصویر ۱- طرح‌هایی متداول از واحدهای مسکونی در نقاط مختلف با اتاق‌های کمابیش هم‌ریخت و هم‌اندازه. (ماخذ: نگارنده)



تصویر ۲- آرایش اتاق‌های گونه‌گون در معماری سنتی خانه‌ای در یزد. ماخذ: (قرلباش و ابوالضیاء، ۱۳۶۴، ۹۵)

هر خانواده اتاق یا خانه‌اش را در تناسب با شرایط و امکانات خود چیدمان می‌کرد و از همین رو، گونه‌گونی بیشتری در فعالیت‌ها و لوازم مربوط به آنها در هر یک از چنین اتاق‌هایی وجود داشت.

در واحدهای مسکونی امروزی نیز دیده می‌شود که حتی فضاهای مشابه در واحدهایی با طرح یکسان غالباً جدا از چیدمانی که طراح ارائه کرده، بسته به فعالیت‌ها و امکانات متفاوت ساکنان آراسته شده‌اند. بنابراین، شماری از گونه‌های متفاوت بهره‌برداری حتی برای یک اتاق وجود دارد که در گزینش وسایل و چیدمان آن با توجه به شرایط جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان بازتاب می‌یابد. در تصویر ۳ وسایل و شیوه‌های متفاوت بهره‌برداری از فضای نشیمن در دو واحد مسکونی مشابه در یک ساختمان مشاهده می‌شود. در تصویر ۵ نیز موردی دیگر مربوط به اتاق‌های خواب دو واحد مسکونی یک خوابه ارائه شده است.

بنابر آنچه گفته شد، تفکیک عملکردی اتاق به گونه‌ای که امروزه در نقشه‌های معماری انجام می‌شود، برای همه مردم مفهوم یکسان ندارد. بر همین اساس، دیده می‌شود که تا چند دهه گذشته در بیشتر مناطق ایران، هر ساختمان یا واحد مسکونی علی‌رغم هم‌ریخت و هم‌اندازه نبودن اتاق‌ها و صرف‌نظر از کاربردهای متفاوت آنها، با شمار تمام اتاق‌ها نامیده می‌شد (مانند خانه یا سرای پنج‌اتاقه) و از این راه، قابلیت و کارکرد آن ساختمان آشکارتر بود. این گونه نامیدن هنوز هم در برخی از روستاها و شهرهای کوچک دیده می‌شود.

در مورد ویژگی‌ها و ترکیب‌بندی اتاق‌ها در طراحی معماری معاصر ایران، پژوهش و مطالعه رسمی بسیار کمی انجام شده است. در بخشی از طرح پژوهشی "مسکن حداقل"، در جایگاه یکی از نخستین مطالعات در این زمینه، بر ضرورت وجود فضاهایی جهت پذیرایی از مهمان، خواب جداگانه برای افراد مذکر و مونث پس از سن بلوغ و همچنین سکونت خویشاوند همراه خانواده (مانند

اما دیده می‌شود که در معماری گذشته این سرزمین، اتاق‌ها با نگرشی متفاوت و متکی بر عملکردهای پایه‌ای و گونه‌گون خود و به صورت چندمنظوره طراحی و نامیده می‌شدند.

واژه اتاق دگرگونه اُتاغ است که در دوره‌های اُطاق نیز نگاشته می‌شد (داعی‌الاسلام، ۱۳۶۲، ۱۶۴). این واژه را در سده‌های هفتم و هشتم خورشیدی با شکل اوتاغ نیز نوشته‌اند (شاملو، ۱۳۵۶، ۱۳۲). بنابر تعریف، اتاق اندامی از ساختمان است که با چهار دیوار و آسمانه (سقف) ساخته می‌شود (رفیعی سرشکی و دیگران، ۱۳۸۲، ۵۸). به دیگر سخن، اتاق فضایی است که از سایر فضاها به وسیله دیوار و سقف جدا می‌گردد و بنابراین، فضاهایی مانند سرسرا یا سالن نشیمن در طرح‌های متداول، که کاملاً از فضاهای دیگر خانه چون آشپزخانه، فضای ورودی یا راهروهای ارتباطی جدا نشده‌اند را نمی‌توان اتاق نامید.

اتاق‌ها را در معماری گذشته بیشتر بر پایه‌هایی چون ریخت (تالار- تنبی- پیلی)، شماره درگاه یا پنجره‌ها (سه‌دری- پنج‌دری)، جای آنها در خانه (بالاخانه- گوشوار- پیشخان)، یا هنگام بهره‌گیری (زمستان‌نشین- تابستان‌نشین)، و کمتر بر اساس کارکرد ویژه (شاه‌نشین- مهمان‌خانه- بسترگاه)، نام‌گذاری می‌کردند (رفیعی سرشکی و دیگران، ۱۳۸۲، ۵۸- ۵۹).

این نکته را می‌توان از آن‌جا ناشی دانست که اگرچه هر اتاق از ماهیتی جداگانه از لحاظ موقعیت، شکل و اندازه برخوردار بود، می‌توانست کارکردهای متفاوتی داشته‌باشد و آنها بیشتر به صورت چند منظوره بهره‌برداری می‌شدند. به عنوان مثال، در معماری سنتی مناطق مرکزی ایران همچون یزد، کارکردهای زیر برای برخی از اتاق‌های متداول شناخته شده است (قرلباش و ابوالضیاء، ۱۳۶۴، ۴۱):

سه‌دری: اتاق کار، خواب، ناشتا- بهار، پاییز و به خصوص زمستان‌نشین، پنج‌دری: اجتماع اهل خانه، میهمانی، سفره‌خانه اهل خانه- بهار، پاییز و زمستان‌نشین، تالار و بادگیر: اتاق جماعت و مراسم مذهبی- تابستان‌نشین، گوشوار: خواب، حجله‌خانه، خلوت و کتابخانه.

تصویر ۲ طرحی از یک خانه مسکونی در یزد است. اتاق‌های این خانه ضمن برخوردارگی از استقلال، به گونه‌ای گزیده شده، گردآمده و آراسته شده‌اند که در کنار سایر فضاهای خانه پاسخگوی نیازها و فعالیت‌های متعدد و متنوعی باشند.

خاطر نشان می‌شود که در اصل زبان پارسی، خانه را "سرا" و اتاق را "خانه" می‌گفتند. اکنون نیز در جاهایی از ایران به همان گونه است (داعی‌الاسلام، ۱۳۶۲، ۱۶۴). واژه‌های بالاخانه، مهمان‌خانه، آشپزخانه و مانند آن نیز یادگار همین شیوه هستند. هنوز هم در جنوب ایران به خانه‌ای با چند اتاق، "خانه‌سرا" گفته می‌شود (رفیعی سرشکی و دیگران، ۱۳۸۲، ۱۹۴). شاید ریشه این گونه نامیدن اتاق‌ها، معماری خانه‌های بزرگ میثنی بر شیوه سکونت خانوارهای گسترده بوده است. در چنین شیوه‌ای، اندرونی خانه‌ها از میان سرا یا حیاطی وسیع تشکیل می‌شد و شمار زیادی اتاق در پیرامون آن بود که از هر اتاق برای زندگی یک خانواده بهره‌برداری می‌شد. در این حالت،



تصویر ۳- شیوه‌های متفاوت بهره‌برداری از فضای نشیمن عمومی در دو واحد با طرح مشابه - مجموعه واقع در شیراز. ماخذ: (قاسم‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰)

برای ۱ یا ۲ نفر در نظر گرفته شده باشد. در دو دهه اخیر، شماری از ضوابط و استانداردهای مرتبط با معماری نیز در ایران نگاشته و تصویب شده یا به عنوان ضوابط پیشنهادی انتشار یافته است. الزامات عمومی ساختمان^۳، آیین کاربرد سطوح لازم جهت مبلمان آپارتمان‌های مسکونی^۴ و همچنین "ضوابط طراحی مدولار برای ساختمان (پیشنهادی)"^۵ از جمله این ضوابط و استانداردها هستند. با مطالعه این مدارک آشکار می‌شود که اگرچه شکل و گونه‌بندی اتاق‌ها و همچنین گزینش شمار مناسب از هر گونه و چگونگی ترکیب آنها در طرح مسکن، کمتر مورد توجه قرار گرفته و ضوابط یا حتی توصیه‌های روشنی در این مورد ارائه نگردیده است، اما این ضوابط و استانداردها بیانگر دامنه‌ای از اندازه‌ها و مساحت‌های حداقل و یا مناسب اتاق در واحدهای مسکونی و بازگوکننده اهمیت اتاق‌ها در طرح مسکن هستند.

در طرحی پژوهشی با عنوان "تدوین استانداردهای ابعادی مسکن"^۶، علاوه بر جمع‌بندی مقررات و استانداردهای موجود در ایران و برخی از دیگر کشورها، طی یک مطالعه میدانی، مجموعه‌ای از مشاهدات و اطلاعات مفید نیز در خصوص تفاوت در نحوه بهره‌برداری ساکنان از فضاهای خانه و همچنین قضاوت و انتظارات آنان از فضاهای مختلف واحد مسکونی، به‌ویژه اتاق‌ها، گردآوری شده که نتایج آن در تدوین پیش‌نویس نهایی آن استانداردها مورد توجه قرار گرفته است. بخشی از اطلاعات به‌دست‌آمده در مطالعه میدانی که به‌نحوی با وضعیت اتاق‌ها مرتبط بود و در قسمت دوم این مقاله نیز مورد استناد قرار گرفته است، نشان داد که پسندیده بودن شرایط اتاق‌ها از سوی ساکنان واحد مسکونی، عاملی بسیار مهم در خرسندی آنان از خانه خود بوده و حاصل تعامل و تعادلی بین ویژگی‌های مختلف در تصمیم‌گیری و طراحی اتاق‌ها به‌ویژه بین اندازه، شمار و ترکیب کارکردهای متفاوت آنها است. بنابراین، مساحت اتاق یا اتاق‌ها، به‌تنهایی نمی‌تواند همواره انتظارات ساکنان از وضعیت مطلوب آنها را در مسکن فراهم سازد.

روند تفکیک فضاهای خانه از یکدیگر و به‌ویژه گرایش به ایجاد موقعیت‌های جداگانه برای فضاهای خصوصی را می‌توان در سیر تحول معماری مسکونی ژاپن نیز مشاهده کرد. توجه به معماری ژاپن در این راستا، از دو جهت مهم است. نخست، حفظ بخش‌های

پدربزرگ) حتی برای مسکن اقشار کم‌درآمد تاکید شده است. به این نکته نیز اشاره گردیده که در مسکن این اقشار، فضاها تک‌بعدی نیستند و یک فضا می‌تواند به فاصله‌های زمانی معین و یا حتی همزمان، مورد استفاده‌های گوناگون قرار گیرد (حبیبی و دیگران، ۱۳۶۷، ۱۴۳-۱۴۴). بر این پایه، در قسمت نتیجه‌گیری و ارائه راهکارهای این طرح پژوهشی، هر یک از اتاق‌های پیشنهادی با وجود گرایش به عرصه‌ای معین نظیر عرصه والدین، فرزندان، مهمان و حتی خویشاوند همراه خانواده، از قابلیت چند منظوره نیز برخوردارند. در خاتمه گزارش این تحقیق، تعداد لازم از هر گونه اتاق با مساحت‌های متفاوت، بسته به جمعیت هر خانوار تعیین گردیده است. بر آن اساس، تامین حداقل دو اتاق جداگانه برای خانواده‌های تا سه نفر ضروریست و با افزایش جمعیت و تغییر نوع خویشاوندی ساکنان، بر تعداد لازم اتاق افزوده می‌شود (حبیبی و دیگران، ۱۳۶۷، ۱۸۹-۱۹۰).

در پژوهشی با نام "رابطه همسازی تراکم در مسکن و وضعیت تحصیلی کودکان دبستانی"^۲ نیز، از طریق بیان این رابطه همسازی، نکته‌های مفیدی در مورد اهمیت شمار کافی از اتاق‌های جداگانه در مسکن بیان شده است. در این پژوهش، شاخص نفر در اتاق برای بیان تراکم جمعیت در واحد مسکونی در نظر گرفته شده و پیش فرض آن به این قرار است که "رابطه ریاضی معنی‌داری بین این تراکم و وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان ساکن وجود دارد". در نتایج پژوهش، اگرچه چنین رابطه آماری معنی‌داری جدا از سایر عوامل، نظیر میزان تحصیلات والدین، سطح رفاه خانواده و امکانات آموزش و پرورش دیده نشده است، مشخص گردیده که هرگاه سایر عوامل یادشده در وضعیت نسبتاً بالایی قرار داشتند، در صورت افزون‌بودن شمار اتاق‌های قابل استفاده و تراکم کمتر در مسکن، وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان تغییرات مثبت بیشتری در سال‌های متوالی داشته است (بهروزفر و اکبری، ۱۳۷۸، ۴۲). ضمناً با بررسی توزیع فراوانی این دو عامل نشان داده شده که زنگ خطر هنگامی به صدا در می‌آید که تراکم در یک خانه از میزان ۲ نفر در اتاق بیشتر باشد (بهروزفر و اکبری، ۱۳۷۸، ۴۶). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در هر خانه، شمار کافی از اتاق‌ها متناسب با جمعیت خانواده‌های ساکن، باید به‌گونه‌ای مهیا شود که هر اتاق

بررسی و تلفیق با نتایج مطالعات اسنادی و از نگاهی دیگر مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

۲-۱ شیوه مطالعه و گردآوری اطلاعات

مطالعه میدانی در ده مجموعه مسکونی که هر یک در برنامه‌ای برای ساخت انبوه مسکن و به‌گونه‌ای تحت نظارت عوامل دولتی ساخته شده بودند، انجام پذیرفت.

در این مطالعه، با توجه به چندگونگی شرایط اقلیمی در کشور، با همفکری مدیران و کارشناسان مسئول در سازمان ملی زمین و مسکن، شهرهای سنندج، رشت، شیراز، اهواز و بندرعباس که در پنج منطقه اقلیمی متفاوت دارای مجموعه‌هایی با ویژگی‌های مورد انتظار پژوهش بودند، انتخاب گردید. در هر یک از شهرهای نامبرده، با در نظر داشتن شکل و الگوی طراحی، نوع و سابقه اقامت، همچنین همگن بودن نسبی ساکنان، دو مجموعه مسکونی برای مطالعه برگزیده شد. سپس با مراجعه تصادفی به شماری از واحدها در هر مجموعه، پرسشنامه‌هایی که تهیه شده بودند برای مصاحبه حضوری با ساکنان مورد استفاده قرار گرفت. در هر بازدید، چک لیست‌هایی نیز به همراه گرده برداری کامل واحد مسکونی با لوازم و اجزاء داخل فضاها، توسط کارشناسان تکمیل گردید. حاصل مجموعه فعالیت‌های میدانی در این مرحله، تکمیل اطلاعات یادشده در مورد ۱۴۰ واحد مسکونی در پنج اقلیم بود.

اطلاعات به دست آمده، دامنه نسبتاً وسیعی را در برمی‌گرفت که حاوی نکات متفاوت و دیدگاه‌های مختلف پاسخگویان و کارشناسان پروژه بود. جهت همخوان نمودن پاسخ‌ها به‌گونه‌ای که امکان نتیجه‌گیری مفیدتر فراهم آید، جدول‌هایی برای خلاصه کردن و گروه‌بندی اطلاعات تهیه گردید که حاوی دسته‌بندی پاسخ‌های همسان بود، تا امکان بررسی و جمع‌بندی آماری با سرعت و دقت کافی فراهم آید.

اطلاعات کلی واحدهای بررسی شده که از گوها و ویژگی‌های متفاوتی برخوردار بودند در جدول ۱ منعکس شده است.

جدول ۱- مشخصات کلی واحدهای مسکونی مورد بررسی در مطالعات میدانی.

گونه واحدها	تعداد نمونه‌ها	سطح زیر بنای واحدها (m ²)		
		حداقل	حداکثر	متوسط
۱: دارای یک اتاق خواب و سالن	۱۳	۵۳	۸۶	۶۸
۲: دارای دو اتاق خواب و سالن	۹۶	۶۰	۱۲۰	۹۴/۳
۳: دارای دو اتاق خواب، نشیمن و پذیرایی جدا	۱۴	۱۱۵	۱۲۰	۱۱۸/۳
۴: دارای سه اتاق خواب، سالن و نشیمن جدا* کل	۱۷	۱۳۳	۱۳۳	۱۳۳
	۱۴۰	۵۳	۱۳۳	۹۹

* در مجموع نمونه‌ها تنها یک تپ در اهواز با این مشخصات وجود داشته است
ماخذ: (قاسم‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰)

ارزشمند فرهنگ گذشته، یکی از رویکردهای اصلی توسعه فرهنگی در این کشور محسوب می‌شود و در این بین، مساله مسکن و معماری مربوط به آن در زندگی مردم ژاپن اعتباری ویژه دارد. دوم، با وجود تفاوت اساسی بین ساختار دیوارهای سبک در معماری ژاپن با دیوارهای سنگین در معماری گذشته ایران، ضرورت دست‌یافتن به حریم‌های خصوصی در هردو آشکار است. خانه‌های سنتی ژاپن در گذشته، بطور کلی دارای مساحتی نسبتاً کم و فاقد تقسیم جداسازی دائمی فضا به صورت امروزی بودند. ولی با این حال، از جداکننده‌های بسیار سبک کاغذی به نام شوجی^۷ برای زمان‌هایی از شبانه‌روز به‌ویژه برای جداکردن فضاهای خواب استفاده می‌شد. به سبب قابلیت پیوستگی و یک‌سره شدن فضاها در این گونه معماری، فضابندی داخلی خانه‌های ژاپنی قابل دگرگونی بود. از همین رو برای بیان اندازه خانه فارغ از تعداد فضاها یا اتاق‌های آن (که در معماری ایران مطرح بود)، از واحدی به نام تاتامی^۸ استفاده می‌شد. تاتامی پوشش حصیرگونه‌ای به ابعاد تقریبی ۹۰ × ۱۸۰ سانتی‌متر برابر حداقل سطح لازم برای خوابیدن یک انسان است که کف خانه‌های سنتی ژاپنی‌ها را با آن فرش می‌کردند و پیمون یا مدول خانه ژاپنی محسوب می‌شد. در ژاپن متداول بود که هنگام مراجعه به بنگاه املاک به جای بیان تعداد اتاق یا هر واحد دیگر، تعداد تاتامی مورد نیاز ذکر شود. اما در قرن اخیر بعد از آن‌که در زندگی ژاپنی‌ها، جداکردن محل زندگی روزانه، غذا پختن و فضاهای خصوصی یا شخصی، همچون ایران و بسیاری از کشورهای دیگر اهمیت یافت، آنها نیز دیوارهای جداکننده را در معماری مسکن خود پذیرفتند. البته این دیوارها در مواردی دارای قابلیت کمتری در ایجاد حریم خصوصی بودند و هنوز هم در برخی نواحی حومه شهری و روستاها از جداکننده‌های سبک کاغذی یا شوجی استفاده می‌شود که امکان عبور نور را داشته و معمولاً قابل جمع‌شدن است و می‌توان فضاها را در موقع لازم با یکدیگر ترکیب کرد.^۹

بررسی یافته‌های این پژوهش‌ها در مجموع، به افزایش شناخت از گستره عملکرد اتاق‌ها و جایگاه آنها در مقام اندام‌های بنیادی مسکن ایرانی می‌انجامد. بر این اساس، می‌توان ضرورت تأمین اندازه‌ها و شمار مناسب اتاق‌ها و اهمیت چند منظوره بودن و قابلیت دگرگونی آنها را در این جایگاه بیان نمود.

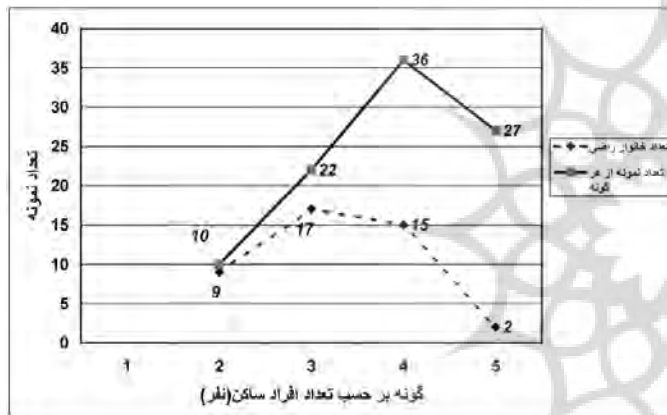
۲- مطالعه میدانی

همان‌گونه که گفته شد، هدف اصلی از طرح پژوهشی "استانداردهای ابعادی مسکن"^{۱۰}، گردآوری و نگارش ضوابط و معیارهای ابعادی به همراه ارائه روش‌های چیدمان و طراحی مناسب فضاهای واحد مسکونی شهری و اجزاء آن بود (قاسم‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰). با انجام مطالعه میدانی و موردی در مرحله‌ای از آن طرح، مستندات بر اساس مشاهدات کارشناسان و گفته‌های ساکنان در خصوص قضاوت‌ها و انتظارات آنان از فضاهای مختلف واحد مسکونی خود، گردآوری شد. پاره‌ای از این اطلاعات که به‌نحوی با موضوع اتاق‌ها مرتبط بود، در این قسمت از مقاله برای

تمام اتاق‌ها و نه لزوماً تعداد اتاق خواب می‌تواند در میزان خُرسندی ساکنان تاثیر داشته باشد.

● **وضعیت واحدهای یک‌خوابه:** علاوه بر نمودار ۱، سایر اطلاعات موجود از نارضایتی ساکنان در واحدهای یک‌اتاق خوابه در مجموع نشان داد که این‌گونه واحدها بدون ارتباط با تعداد افراد در هرواحد، مورد دلخواه آنان نیستند.

● **تاثیر جمعیت ساکن در واحدهای دو خوابه:** توزیع ساکنان ناخُرسند در واحدهای دو خوابه، بر اساس جمعیت ساکن (نمودار ۲) نشان داد که بیشترین آنها (به میزان نزدیک ۱۰۰٪)، در خانوارهای ۵ نفره و بالاتر قرار دارند. به عبارت دیگر، در خانه‌های پرجمعیت‌تر ناخُرسندی از تعداد اتاق افزایش چشمگیری داشته است. بنابراین می‌توان گفت در این نمونه‌ها، تعداد چهارنفر و کمتر، جمعیت مناسب برای سکونت رضایت‌آمیز در خانه‌های دو اتاق خوابه محسوب می‌شود.



نمودار ۲ - توزیع ساکنان ناراضی در واحدهای مسکونی دو خوابه به تفکیک جمعیت ساکن. (ماخذ: نگارنده)

● **اندازه اتاق‌ها:** وضعیت اتاق‌ها در مجموعه نمونه‌ها، از تنوع قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود که به دلیل اهمیت آن، اندازه‌های اتاق‌های خواب در نمونه‌های مورد بررسی در جدول ۲ منعکس می‌باشد (جدول ۲).

بررسی و مقایسه اندازه اتاق‌ها در جدول فوق نشان داد که در واحدهای مورد مطالعه، کوچک‌ترین اتاق‌ها متعلق به تعدادی از واحدهای یک خوابه و بزرگ‌ترین آنها متعلق به واحدهای سه خوابه با سالن و نشیمن جدا هستند. علاوه بر آن، مقایسه این اندازه‌ها با اندازه‌های ارائه شده در ضوابط و مقررات طراحی موجود در ایران نشان داد که در این نمونه‌ها، بیشتر اتاق‌ها به جز اتاق‌های تعدادی از واحدهای یک خوابه، با ضوابط انطباق دارند. بنابراین، در واحدهای یک خوابه علاوه بر محدودیت تعداد اتاق، مشکلات ناشی از کوچک بودن اتاق نیز می‌تواند از دلایل ناخُرسندی ساکنان باشد. تصویر ۵ شامل دو نمونه از این‌گونه اتاق‌ها در واحدهای یک خوابه است و همان‌گونه که مشاهده می‌شود، این اتاق‌ها از فضای محدودی برخوردارند.

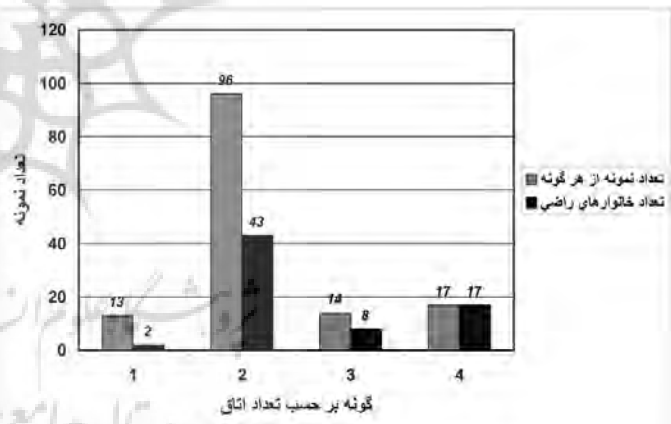
۲-۲ یافته‌های مطالعه میدانی

بررسی نتایج مطالعه میدانی که در این بخش از مقاله ارائه می‌شود، نکات قابل تاملی را در پیوند با پرسش‌های اساسی پژوهش، از جمله مقایسه دلایل خُرسندی یا ناخُرسندی ساکنان از اتاق‌های واحد مسکونی خود و نقش و کارکردهای متفاوت اتاق‌ها در نمونه‌های بررسی شده، آشکار می‌سازد.

به دلیل حجم قابل ملاحظه اطلاعات و آمارهای به دست آمده از مطالعه میدانی، درج تمام اطلاعات و نمودارهای متعدد این فرایند در یک مقاله امکان نداشته و از این رو در برخی موارد به توصیف و تلفیق نتایج بررسی‌ها پرداخته شده است.

علاوه بر آن، برخی از بررسی‌ها و مقایسه‌های ارائه شده در این بخش را به دلایلی از جمله تفاوت در شیوه بیان و نحوه پاسخ‌گویی ساکنان، نمی‌توان یک نتیجه‌گیری آماری محض در نظر گرفت. اما از آنجا که بیشتر این‌گونه نتایج نیز حاوی نکات مهمی هستند که می‌توان از مقایسه و تشریح آنها در راستای اهداف پژوهش بهره جست، مورد توجه قرار گرفته‌اند.

● **تاثیر تعداد اتاق‌ها:** تعداد خانه‌هایی که ساکنانشان خُشنودی خود را از شمار اتاق‌های واحد مسکونی خود بیان کرده‌اند نسبت به کل خانه‌ها، به تفکیک گونه‌های آنها بر حسب تعداد اتاق در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود.



نمودار ۱ - توزیع خانوارهای راضی از شمار اتاق‌ها به تفکیک تعداد اتاق واحدهای مسکونی. (ماخذ: نگارنده)

مشاهده می‌شود که در هر گروه از گونه‌های یک خوابه، دو خوابه، دو خوابه بانشیمن جدا و سه خوابه بانشیمن جدا، به ترتیب ۱۵٪، ۴۵٪، ۵۷٪ و ۱۰۰٪ خانوارها از شمار اتاق‌های خود راضی هستند. ارقام یادشده تا حدود زیادی قابل پیش‌بینی بود. بدین ترتیب که با بیشتر شدن تعداد اتاق در واحد مسکونی، تعداد ساکنانی که از شمار اتاق‌ها راضی بوده‌اند نیز افزایش یافته است. نکته قابل توجه در پاسخ‌ها، بالا بودن تعداد خانوارهای راضی در واحدهای دو خوابه با نشیمن جدا (۳ اتاقه) نسبت به واحدهای دو خوابه معمولی (۲ اتاقه) بود. این تفاوت نشان می‌دهد که تعداد

جدول ۲- اندازه‌های اتاق‌های خواب در نمونه‌ها به تفکیک نوع واحدها از لحاظ تعداد اتاق خواب و سایر فضاها.

گونه واحدها	تعداد نمونه‌ها	متوسط مساحت اتاق‌ها		حداقل مساحت اتاق‌ها		حداکثر مساحت اتاق‌ها		حداکثر اندازه کوچک اتاق‌ها	
		اتاق خواب	اتاق پذیرایی	اتاق خواب	اتاق پذیرایی	اتاق خواب	اتاق پذیرایی	اتاق خواب	اتاق پذیرایی
۱: یک اتاق خواب و سالن	۱۳	۱۲/۰۵	-	۹/۸	-	۱۹	-	۳/۴	-
۲: دو اتاق خواب و سالن	۹۶	۱۲/۹	۱۱/۲	۱۰/۲	۸/۸	۱۶/۵	۱۴	۳/۵	۳/۲
۳: دو اتاق خواب، نشیمن و پذیرایی جدا	۱۴	۱۴/۳	۱۲/۶	۱۳	۱۲	۱۵/۴	۱۳	۳/۵	۲/۲
۴: سه اتاق خواب، سالن و نشیمن جدا،	۱۷	۱۵/۲	۹/۵۷	۱۵/۲	۹/۵۷	۱۵/۲	۹/۵۷	۳/۳	۲/۹

(ماخذ: نگارنده)

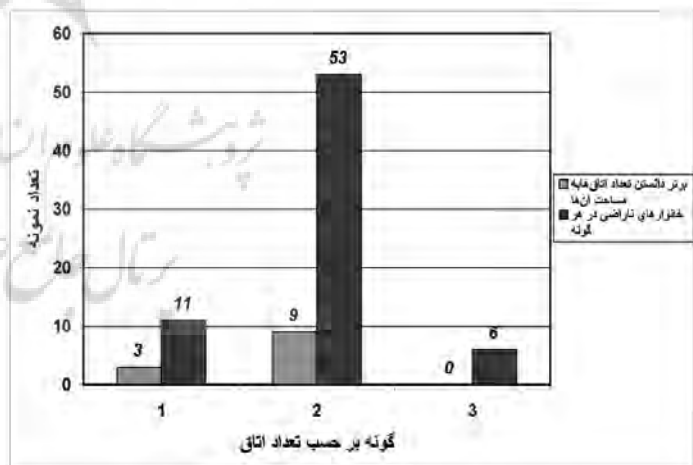
* اندازه‌ها به متر یا مترمربع هستند.

مهم‌ترین فعالیت در اتاق خواب پس از خوابیدن بیان شده است. بعد از آن، نگهداری لوازم و تجهیزات با ۹۸ مورد و فعالیت‌های شغلی با ۵۴ مورد قرار دارد. نکته قابل توجه آن است که از ۴۰ واحد که ساکنان آنها نشستن و دورهم جمع شدن را به عنوان یکی از عملکردهای اتاق خواب خود مطرح نموده‌اند، ۲۸ مورد به واحدهای یک و دو خوابه تعلق داشته است. از این اطلاعات چنین می‌توان بهره‌جست که در واحدهای دارای اتاق بیشتر، فضای کافی برای دورهم جمع شدن و نشیمن خانواده در خارج از اتاق‌های خواب فراهم بوده و استفاده از اتاق خصوصی برای این منظور ضرورت نداشته است. شایان توجه است که نیاز به نشیمن خصوصی، بیشتر در نمونه‌های واقع در اقلیم سرد ملاحظه می‌شود.

● **عملکرد نشیمن عمومی برای خواب:** بهره‌برداری دائمی از اتاق نشیمن یا سالن برای خوابیدن برخی از افراد خانواده، بیشتر در گونه‌های یک و دو خوابه مشاهده شد. دلیل این امر غالباً ناکافی بودن فضای خواب موجود برای افراد خانوار عنوان گردیده است. به جز این موارد، ساکنان تعدادی از واحدهای سه خوابه بانثیمن جدا نیز به دلیل تغییر شرایط فصلی، نشیمن را در مواقعی از سال برای خوابیدن انتخاب می‌کردند. در مجموع، با بررسی وضعیت بهره‌برداری دائمی از اتاق نشیمن برای خوابیدن افراد خانواده، مشخص شد که این حالت در خانوارهای بیش از چهار نفر بیشتر از سایر نمونه‌ها بوده است.

تصویر ۴، نمونه‌ای از موقعیت خواب یکی از فرزندان را در گوشه‌ای از اتاق پذیرایی نشان می‌دهد. با ملاحظه رختخواب، کم‌لوازم، کتاب و سایر وسایل روی میز غذاخوری می‌توان چنین در نظر آورد که یک دانش آموز، این گوشه از اتاق را به عنوان فضای فعالیت شخصی در اختیار گرفته است.

● **برتر دانستن شمار یا مساحت اتاق‌ها:** وضعیت پاسخ ساکنان در مورد برتر دانستن شمار بیشتر اتاق‌ها در برابر مساحت کمتر آنها (نمودار ۳)، نشان داد که بیشتر ساکنان ناراضی از شمار اتاق‌ها، افزایش آنها را به قیمت کوچک شدن اتاق‌های موجود نمی‌پسندند. از این نکته می‌توان چنین برداشت نمود که از اهمیت مساحت اتاق‌ها، در تعامل با تعداد آنها کاسته نشده است.



نمودار ۳- وضعیت برتر دانستن شمار اتاق‌ها نسبت به مساحت آنها در خانوارهای ناراضی ساکن در گونه‌های متفاوت.
(ماخذ: نگارنده)

● **عملکرد اتاق‌های خواب:** سایر عملکردهای اتاق‌های خواب در واحد مسکونی، از سوی ساکنان هریک از واحدها اعلام شد. در مجموع ۱۴۰ نمونه، درس خواندن و بازی بچه‌ها با ۱۱۵ مورد

- میز کار یا تحریر: ۹۸ مورد،
- قفسه‌ها یا کُمد‌های قابل جابجایی بزرگ و کوچک: هریک با ۷۰ مورد،
- وسایل غیرعادی از جمله دوچرخه بزرگ، وسایل اسقاط و مانند آنها: ۲۷ مورد.
- یخچال یا فریزر: ۲۳ مورد.

بررسی نشان داد که به‌طور معمول بین ۶ تا ۱۱ نوع وسیله در اتاق‌های خواب هرواحد وجود داشت و شمار آنها معمولاً در خانه‌های دوخوابه بیشتر بود.

بنابر این، در نمونه‌های مورد مطالعه ملاحظه می‌شود که اتاقی را که معمولاً به نام خواب می‌خوانند، تنها یک فضای خوابیدن یا نشستن نیست. بلکه به ویژه در خانه‌های کوچک، فضایی برای نگهداری وسایل و تجهیزات نیز محسوب می‌شود. قراردادن یخچال در ۲۳ مورد، فضایی غیرشخصی را نشان می‌دهد و این موضوع می‌تواند یکی دیگر از عواملی باشد که ابراز ناراضی ساکنان از اتاق‌های خواب موجود را در پی دارد.

در مجموع، می‌توان چنین بیان نمود که حساسیت طرح و اندازه اتاق خواب در واحدهای کوچک بیشتر از حساسیت آن در خانه‌های بزرگ و چند اتاقه است. از سوی دیگر، این مشاهدات اهمیت وجود فضای انبار برای نگهداری لوازم و وسایل، به‌ویژه در خانه‌های کوچک و متوسط را با تأکید بیشتر نمایان می‌کند.

● **اهمیت کمدها و انبار وسایل:** طی بازدیدها، تغییراتی که توسط ساکنان در واحد مسکونی خود انجام شده بود، مشخص و ثبت گردید. بیشترین نوع تغییرات در اتاق‌های خواب، افزودن کمدهای ثابت بود که غالباً از طریق جابجایی تمام یا قسمتی از دیوارها ایجاد شده‌اند. شایان توجه است که از ۳۰ مورد کمدها که توسط ساکنان احداث شده، ۱۶ مورد کمدهایی با عمق ۸۰ تا ۱۲۰ سانتی‌متر بوده که نمایانگر اهمیت کمدهایی با عمق زیاد است. اهمیت نگهداری و انبار کردن لوازم تا حدی است که در مجموع نمونه‌ها، ساکنان ۳۱ واحد چنین بیان کرده‌اند که ترجیح می‌دهند به‌ازاء کوچک‌تر شدن نشیمن، انباری جدا در داخل خانه داشته باشند.



تصویر ۴- کاربرد گوشه‌ای از اتاق نشیمن به‌عنوان فضای شخصی و خواب یکی از فرزندان در یک واحد مسکونی - شیراز. ماخذ: (قاسم‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰)

● **نوع وسایل اصلی اتاق‌های خواب:** در جمع نمونه‌ها، شمار اتاق‌های خواب که دارای وسایل زمینی مانند رختخواب و پستی هستند، تقریباً با شمار اتاق‌های دارای وسایل پایه‌دار مانند تخت و صندلی، برابر بود. اما در واحدهایی که از اتاق خواب برای نشیمن نیز استفاده می‌شد، سهم عمده را وسایل نشستن و خوابیدن زمینی در اختیار داشت. بدین ترتیب، ساکنان واحدهای کوچک با تعداد اتاق کم، انتظار بیشتری برای پیش‌بینی امکان‌تنوع در وسایل و جابجایی در چیدمان دارند و این امر، برخورداری از کمدهای جهت نگهداری وسایل خواب و نشستن زمینی در این واحدها را ضروری‌تر می‌نماید.

تصویر ۵، دو نمونه از وسایل متفاوت را در اتاق خواب واحدهای مسکونی یک‌خوابه نشان می‌دهد. در یک نمونه رختخواب‌های چیده‌شده و وسایل گونه‌گون و در دیگری تخت دو نفره کوچک با حداقل وسایل مشاهده می‌شود. مقایسه این دو نشان می‌دهد که در این مورد نیز اتاق‌های مشابه، صرف‌نظر از نامی که طراح بر آنها نهاده‌است، با امکانات و شیوه متفاوت زندگی ساکنان شکل گرفته و چیدمان شده‌اند.

● **سایر وسایل موجود در اتاق‌های خواب:** پس از وسایل اصلی متداول برای خوابیدن، دیگر وسایل موجود در اتاق‌های خواب واحدهای مورد بررسی به‌قرار زیر بود:

- وسایل و تجهیزات کوچک نظیر چرخ خیاطی و جاروی برقی: ۱۲۸ مورد،



تصویر ۵- نمونه وسایل متفاوت در اتاق خواب دو واحد مسکونی یک‌خوابه - سنندج. ماخذ: (قاسم‌زاده و دیگران، ۱۳۸۰)

نتیجه

وسایل و مبلمان قابل بهره‌برداری در شیوه‌های متداول زندگی ساکنان، - پرهیز از هم‌ریختی و یک‌سانی اتاق‌ها و به‌کارگرفتن گونه‌های متفاوت اتاق در طرح واحدهای مسکونی، در تناسب با وضعیت و برنامه کالبدی مقرر شده.

- پیش‌بینی قابلیت‌های لازم در شکل، اندازه، شیوه قرارگیری و سایر ویژگی‌های عناصر ثابت اصلی اتاق‌های واحدهای مسکونی مانند در، پنجره و کمدها، بر پایه شناخت بهتر از انتظارات متفاوت اقشار هدف و با در نظر داشتن امکان جابجایی در عملکرد فضاهای چندمنظوره،

سوم، برای برآورده کردن الزامات عملکردی و کیفی بالا، به‌کار بستن ملاحظات و راه‌کارهای زیر ضروری است:

۱) در برنامه‌های مسکن‌سازی، باید با شناخت کافی و بسته به برنامه هدف طرح، سهم هر عرصه زندگی از جمله عرصه والدین، عرصه فرزندان، عرصه جمعی خصوصی یا نشیمن و عرصه جمعی عمومی یا پذیرایی در کنار سایر خدمات اصلی و جانبی، به‌گونه‌ای عادلانه تعیین و در طرح فراهم شود. برای مهیا شدن مساحت کافی جهت دست‌یافتن به این وضعیت، لازم است از اتلاف مساحت ساختمان در طراحی مسکن، به ویژه به‌صورت شکل‌گرفتن بخش‌های غیرقابل چیده شدن در فضاها یا ایجاد فضاهایی که در موقعیت‌های خارج از واحد مسکونی نیز قابل تامین هستند، خودداری گردد.

۲) در هر واحد مسکونی، به‌ویژه در برنامه‌های انبوه‌سازی و صرف نظر از سطح زیربنای آن، تامین حداقل دو اتاق قابل سکونت جداگانه یا دو موقعیت قابل تبدیل به این فضاها برای فراهم‌ساختن کمترین شرایط آرامش و آسایش ساکنان در عرصه‌های شخصی، ضروری است. باید توجه داشت که در اغلب طرح‌های متداول، فضای مشترک یا عمومی باز با عنوان‌هایی مانند سالن که با سایر فضاها یک‌سره شده و در معرض دید و آمد و شد دیگران قرار دارد، نمی‌تواند یکی از این گونه موقعیت‌ها محسوب شود.

۳) در راستای تحقق نظرات فوق، به‌ویژه در طراحی مسکن کوچک یا هر جا که تامین مساحت کافی جداگانه برای همه عرصه‌ها و اتاق‌های یاد شده در مسکن مورد نظر ممکن نباشد، ضروریست که ضمن گرایش به فعالیت‌های معین در طرح هرفضا یا اتاق، قابلیت‌ها و امکانات لازم برای استفاده چند منظوره از آن و با عملکردهای متفاوت، به‌صورت همزمان یا در دوره‌های زمانی مختلف نیز دیده شود. به عبارت دیگر، لازم است برای اتاق‌ها، کارکردها و تعریف‌های متعدد و متنوع‌تری نسبت به وضعیت فراگیر در طرح‌های متداول مسکن پیش‌بینی شود تا بتوان بسته به شرایط زندگی ساکنان، از اتاق‌ها یا موقعیت‌های گوناگون حاصل شده در طرح، در عرصه‌های متفاوتی استفاده نمود. علاوه بر آن، می‌توان پیشنهاد کرد که بسته به فناوری به‌کارگرفته شده در ساختمان،

پیرو سوال‌های اساسی پژوهش، جمع‌بندی مطالعات ارائه شده در سه پاسخ اصلی و پیوسته زیر می‌گنجد:

نخست، اتاق از جایگاهی پایه‌ای در شکل‌گیری و فضابندی مسکن در معماری گذشته این سرزمین برخوردار بود. این جایگاه از بینش عمومی و خواسته ساکنان مبنی بر اصالت دادن به نقش اتاق‌ها در انسجام طرح خانه سرچشمه می‌گرفت. براین اساس، شیوه کار معماران، بنا کردن شماری از اتاق‌های جداگانه و گونه‌گون بود که در طرح هر خانه به یکدیگر پیوند می‌یافتند. اتاق‌ها در این شیوه طراحی، از قابلیت دگرگونی در چیدمان وسایل و همخوانی با فعالیت‌ها و انتظارات متنوع ناشی از شرایط محیطی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان برخوردار بودند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که امروزه نیز اتاق‌ها از اهمیت و اعتبار قابل ملاحظه‌ای نزد مردم برخوردارند و طراحی و ترکیب مناسب کمی و کیفی آنها می‌تواند در تامین خرسندی ساکنان از واحد مسکونی خود نقشی اساسی داشته باشد. اما در بیشتر طرح‌های متداول، با کاسته شدن از شمار، مساحت، گونه‌گونی و سایر قابلیت‌های مورد انتظار از اتاق‌ها، این جایگاه توسط طراحان و سازندگان نادیده گرفته شده و با برآورده نشدن بیشتر خواسته‌های ساکنان، به ناخشنودی بسیاری از آنها انجامیده است. لذا، جای آن دارد که با شناخت بهتر و ارزیابی دقیق‌تر این خواسته‌ها، ویژگی‌های عملکردی اتاق‌ها در طراحی مسکن، مورد توجه بیشتر و رسمی‌تر قرار گیرد.

دوم، هیچ‌یک از ویژگی‌هایی مانند مساحت یا شمار اتاق‌ها نمی‌تواند به تنهایی انتظارات و شرایط دلخواه ساکنان مختلف را همواره مهیا نماید. بلکه باید تعامل این ویژگی‌ها را در رویکرد حاکم بر تصمیم‌گیری و ترکیب‌بندی فضای کل خانه در نظر داشت. محور اصلی این رویکرد، ایجاد تعادل بین شاخص‌های مهم‌گزینه‌ش و طراحی اتاق‌ها و سایر فضاهای مسکن، در تناسب با انتظارات ساکنان و محدوده و مساحت واگذار شده به واحد مسکونی است. از جمله این شاخص‌ها، باید به گونه اتاق‌ها از نظر عملکرد و اندازه، شمار لازم آنها و همچنین تناسب تجهیزات و عناصر ثابت مانند در، پنجره و کمد‌ها توجه ویژه‌ای داشت. به این منظور، شایسته است در روند درست برنامه‌ریزی و طراحی مسکن و اجزاء معماری، در کنار فراهم‌کردن پایداری ساختمان و ایمنی و بهداشت ساکنان، شروط و الزامات عملکردی و کیفی مهمی از جمله موارد اساسی زیر نیز در پیوند با یکدیگر برآورده شوند:

- مهیا کردن شمار کافی از موقعیت‌های فضایی در طرح مسکن، که در زمانهای متفاوت یا به‌طور هم‌زمان قابلیت ایجاد حریم‌های خصوصی جداگانه‌ای را داشته باشند، بدون آن‌که هنگام بهره‌برداری سبب کاستی در عملکرد فضاها و عرصه‌های جمعی و عمومی شوند،

- طراحی انعطاف‌پذیر و قابل دگرگونی اتاق‌ها، با توجه به انواع

جای مناسب دیگر در سطح واحد مسکونی است. (۵) پیرو نتایج پیشین، از آن جا که گونه‌های متفاوت اتاق‌ها در طرح یک واحد مسکونی همواره از جایگاه برابر برخوردار نیستند، جای آن دارد که در مقررات و ضوابط معماری، الزام یا توصیه‌هایی برای تامین ترکیبی مناسب از گونه‌های متفاوت اتاق در نظر گرفته شود که می‌تواند در برگزیده اتاق یا اتاق‌هایی از بزرگترین مقیاس (چندمنظوره با گرایش به فعالیت‌های جمعی)، تا کوچکترین مقیاس (اتاق خصوصی برای استفاده یک نفر با کمترین امکانات و وسایل لازم)، باشد. بدین ترتیب، با ترکیب گونه‌های مختلف اتاق با مساحت و مقیاس‌های متفاوت، علاوه بر آن که در تامین تعداد لازم از اتاق‌های جداگانه در هر طرح توفیق بیشتری به دست می‌آید، با قابلیت انعطافی که در شیوه بهره‌برداری از فضای اتاق‌ها حاصل می‌شود، شرایط دلخواه اقشار وسیع‌تری نیز فراهم می‌گردد. جدول ۳، نتیجه این نگرش را به صورت ترکیب ترجیحی اتاق‌های مناسب در گونه‌های متفاوت واحد مسکونی ارائه می‌دهد.

مثلاً با استفاده از دیوارهای جداکننده قابل جابجایی، امکان تغییر شکل و اندازه اتاق‌ها در زمان لازم و امکان ترکیب و سرهم کردن فضای برخی اتاق‌ها پیش‌بینی گردد. بنابراین، طرح اتاق‌ها در واحدهای مسکونی به صورت کلی هم‌ریخت نبوده و عملکرد هرکدام نیز تنها به یک نام یا عنوان منحصر نخواهد شد.

(۴) استقرار و جانمایی اجزاء و اندام‌های عملکردی ثابت به‌ویژه درها، پنجره‌ها و گدماها، باید با در نظر گرفتن قابلیت دگرگونی در کارکرد اتاق‌ها انجام پذیرد. همچنین، کنترل وضعیت مناسب انواع جلوامدگی‌ها که به واسطه قرار گرفتن ستون یا چاهک‌های تاسیسات، و یا عناصر الحاقی نظیر رادیاتور و بخاری به وجود می‌آیند نیز، ضروریست.

علاوه بر آن، دست‌یافتن به جایگاه و عملکرد رضایت‌آمیز اتاق‌ها به‌ویژه زمانی که به عنوان اتاق چندمنظوره در نظر گرفته شوند، مستلزم تامین فضای کافی برای انبارکردن و نگهداری وسایل و لوازم غیر ثابت، مانند رختخواب، پستی و زیرانداز یا میز کار نشسته، در پیوند با فضای داخل اتاق‌ها یا

جدول ۳- ترکیب ترجیحی اتاق‌ها در گونه‌های متفاوت واحد مسکونی.

حداقل تعداد مناسب از هر گونه اتاق در طرح واحد مسکونی				مساحت واحد مسکونی (مترمربع)	گونه واحد مسکونی (بر پایه تعداد اتاق جداگانه پیش‌بینی شده)
اتاق (با گرایش به فعالیت و خواب (یک نفر)	اتاق (با گرایش به فعالیت و خواب دو نفر)	اتاق چندمنظوره (با گرایش به فعالیت جمعی)	اتاق چندمنظوره (با گرایش به خواب والدین)		
		۱ گزینه از بین دو گونه اتاق *	۱	تا ۷۵	دو اتاق
		۱ گزینه از بین دو گونه اتاق *	۱	۷۵ تا ۱۰۰	سه اتاق
		۱	۱	۱۰۰ تا ۱۳۰	
		۲ گزینه از دو گونه اتاق *	۱	۱۰۰ تا ۱۳۰	چهار اتاق
امکان ۱ گزینه به جای ۱ اتاق دو نفره *	۲ گزینه یا بیشتر			بیش از ۱۳۰	چهار اتاق یا بیشتر

* گزینه‌های این اتاق‌ها در پیوند با برنامه طرح از جمله مشخصات ساکنان، امکانات پروژه، سایر فضاها و مساحت واحد و مجموعه انجام می‌گیرد. (ماخذ: نگارنده)

پی‌نوشت‌ها:

- این پژوهش، پس از مطالعات نظری گسترده و مطالعات میدانی و گردآوری اطلاعات از چند مجموعه مسکونی در تهران انجام شده است. رجوع شود به: حبیبی، سیدمحسن و دیگران (۱۳۶۷).
- این طرح، از طریق مطالعات میدانی و گردآوری اطلاعات از تعداد قابل ملاحظه‌ای از مدارس ابتدایی در تهران انجام شده است. رجوع شود به: بهروزفر و اکبری (۱۳۷۸).
- رجوع شود به: مقررات ملی ساختمان، مبحث چهارم، وزارت مسکن و شهرسازی.
- رجوع شود به: استاندارد ملی ایران، شماره ۲۳۰۱، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران.
- این ضوابط، در کمیته تخصصی به تصویب رسیده و برای تایید و ابلاغ به شورای عالی شهرسازی و معماری ایران ارسال گردیده است. رجوع شود به: نیکروان مفرد، مژگان (۱۳۸۶).
- این طرح، در مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن و با پشتیبانی سازمان ملی زمین و مسکن به انجام رسیده است. رجوع شود به: قاسم‌زاده و دیگران (۱۳۸۰).
- Shuji
- Tatami
- برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: سایت مرکز مجازی مطالعات ژاپن به نشانی japanstudies.ir و همچنین "نگاهی به معماری مسکونی سنتی ژاپن" نوشته علی سلطانی در نشانی forum.persiangraphic.com.

فهرست منابع:

- بهروزفر، فریبرز و اکبری، شهریار (۱۳۷۸)، رابطه همسازی تراکم در مسکن و وضعیت تحصیلی کودکان دبستانی، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
- چینگ، فرانسیس دی کی (۱۳۸۶)، معماری، فرم، فضا و نظم، ترجمه علیرضا تغابنی و سیده صدیقه قویدل، نشر کتاب آزاد، تهران.
- حبیبی، سید محسن و دیگران (۱۳۶۷)، مسکن حداقل، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
- داعی الاسلام، سید محمد علی (۱۳۶۲)، فرهنگ نظام، چاپ دوم، انتشارات دانش، تهران.
- رفیعی سرشکی، بیژن و دیگران (۱۳۸۲)، فرهنگ مهرازی (معماری) ایران، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.
- شاملو، محسن (۱۳۵۶)، پالایش زبان فارسی، انتشارات پدیده، تهران.
- قاسم زاده، مسعود و دیگران (۱۳۸۰)، استانداردهای ابعادی مسکن - فاز نخست (گزارش طرح پژوهشی)، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، با پشتیبانی سازمان ملی زمین و مسکن، تهران.
- قزلباش، محمدرضا و ابوالضیاء، فرهاد (۱۳۶۴)، الفبای کالبد خانه سنتی یزد، وزارت برنامه و بودجه، تهران.
- نیکروان مفرد، مژگان (۱۳۸۶)، ضوابط طراحی مدولار برای ساختمان (پیشنهادی) و راهنمای آن، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، تهران.

